تحلیل برخی گفتمانهای رفاهی در دوران اصلاحات

روزبه کردونی*، نعمت الله فاضلی**

طرح مسأله: *این مقاله با هدف بررسی برخی گفتمان‌های رفاهی در دوران اصلاحات انجام پذیرفته است. در این تحقیق به بررسی خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی در سخنان رئیس جمهور دوره اصلاحات بین سالهای ۱۳۷٦-۱۳۸٤ پرداخته شده است تا ویژگی‌های گفتمانی این دوره بازشناسی و معرفی گردد و تفسیر و بازشناسی معنا کاوانه از گفتمان رفاهی در بستر تاریخی ـ اجتماعی آن انجام پذیرد. اهمیت این تحقیق از بعد کاربردی، فراهم کردن امکان شناخت کامیابی‌ها و شکستها در عرصه‌های مرتبط با رفاه اجتماعی در دوره اصلاحات و از بعد نظری، فراهم شدن امکان مقایسه و بررسی شباهت‌ها و تفاوتهای گفتمان مسلط رفاه اجتماعی در این دوره با گفتمان‌های رایج در دنیا می‌باشد.*

روش تحقیق: *این پژوهش به روش تحلیل گفتمانی در چارچوب نظری میشل فوکو و نورمن فرکلاف و با تکیه بر الگوی تحلیل گفتمان نورمن فرکلاف است. نورمن فرکلاف، گفتمان را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین، مدنظر قرار می‌دهد.*

یافته‌ها: *گفتمان رفاهی دوران اصلاحات در خصوص مؤلفه‌های اساسی رفاه، جهت گیری‌های مشخصی دارد. این گفتمان تفسیری از عدالت ارائه می‌دهد که به معنای ایجاد فرصتهای مساوی و تضمین دسترسی برابر به امکانهاست. تلقی گفتمان اصلاحی از مفهوم آزادی این است که دین و آزادی را دارای تأثیر متقابل عظیم بر یکدیگر تحلیل می‌کند و همچنین برای آن، دو حد اسلامی و حقوق عمومی قائل است. این گفتمان بر مفهوم توسعهٔ همه جانبه و پایدار تأکید دارد و در بعد سیاسی رفاه، بر مقولاتی نظیر مشارکت، فعالیت احزاب و گروه‌ها و امنیت سیاسی تکیه دارد. در خصوص امنیت نیز گفتمان اصلاحات، جامعهٔ امن را جامعه‌ای مبتنی بر رفتارها و روابط قانونی می‌داند. گفتمان رفاهی اصلاحات با تأکید بر نظام جامع تأمین اجتماعی، معتقد است یک نظام تأمین اجتماعی از هم گسسته، نه می‌تواند عدالت را تأمین کند و نه امنیت را.*

نتیجه: *جهت‌گیری گفتمان اصلاحات در حوزه رفاه اجتماعی متکی بر مولفه‌هایی نظیر توسعه همه جانبه، عدالت ملازم با دین وآزادی، رویکردانسان مدارانه به رفاه و توجه به ابعاد چند گانه رفاه اجتماعی بوده است.*

کلید واژه: گفتمان، تحلیل گفتمان، رفاه اجتماعی، دوره اصلاحات

تاریخ دریافت: ۸۷/٤/۳۱ ***تاریخ پذیزش: ۸۸/٤/۱۰***

---

* کارشناس ارشد رفاه اجتماعی

** استادیار دانشگاه علامه طباطبایی

مقدمه

دوره ۱۳۷٦-۱۳۸٤ که به عنوان دوره اصلاحات شناخته می‌شود دوره‌ای است که سید محمد خاتمی در حالی ریاست جمهوری خود را آغاز می‌کند که نتایج هفتمین انتخابات ریاست جمهوری ایران (دوم خرداد ۱۳۷٦) برای بسیاری از تحلیلگران و ناظران داخلی و خارجی غیرمنتظره و شگفت‌انگیز بود.

آقای خاتمی در ایام فعالیت‌های انتخاباتی سیاست‌های کلان خود را بر چهار محور استوار کرد (بدیعی، ۱۳۷۸: ٦۸-٦۹):

۱- نهادینه کردن هرچه بیشتر قانون در جامعه.

۲- اهتمام به استقرار عدالت اجتماعی.

۳- اهمیت دادن به نقد و نقدپذیری.

٤- فراهم کردن هرچه بیشتر زمینه‌های مشارکت و رقابت آگاهانه و داوطلبانه مردم.

«در تحلیل برنامه‌های آقای خاتمی، آزادی‌ها، رعایت حقوق مردم، مشارکت، توجه به زنان، تکریم صاحبان اندیشه، جامعه مدنی و توجه به دانش و مسائل فرهنگی، جایگاه ویژه‌ای داشتند» (ربیعی، ۱۳۸۰: ۱۲۵). ضمن اینکه، دیدگاه توسعه انسان محور مورد تأکید آقای خاتمی قرار داشت. دیدگاهی که توسعه را به صورت فرآیند گسترش آزادی‌های واقعی بیان و جوهر فرآیند توسعه را مراودات مفید، بهره‌گیری از شبکه‌های تأمین اجتماعی، آزادی‌های سیاسی و توسعه اجتماعی می‌داند .

«محورهای اصلی سخنرانی‌های آقای خاتمی در سال ۱۳۷٦، جامعه مدنی، امنیت اجتماعی، آزادی و دموکراسی در جامعه، گفتگوی تمدن‌ها، زنان، مسایل رفاهی جامعه و اشتغال در جامعه بوده است» (بدیعی، ۱۳۷۸: ٦۸). پیروزی سید محمد خاتمی در انتخابات هفتمین دوره ریاست جمهوری با ویژگی‌هایی نظیر پیش بینی ناپذیر بودن و شگفتی آفرینی سیاسی در ایران، هویدا گشتن پاره‌ای از شکاف تاریخی دولت و ملت، نیاز به نوسازی سیاسی و برجسته بودن مطالبات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مردم تحلیل شد (نشریه عصر ما ۱۳۷٦/۳/۱۷). از سوی دیگر، رشد سریع جمعیت و جوانی قابل توجه آن،

گسترش آموزش عالی و افزایش شدید دانشجویان در سالهای قبل از دوم خرداد و گسترش خرد گرایی اقتصادی و پیوند بیشتر روستاییان با شهرها و تحولات ملی نیز از جمله علل دیگر وقوع دوم خرداد تحلیل شد (پیران، ۱۳۷٦: ٦-۷).

طرح مسأله

این مقاله به تحلیل گفتمان و بررسی خصوصیات و عناصر اصلی ساخت گفتمان‌های رفاهی در سخنان آقای خاتمی رئیس جمهور دوران اصلاحات می‌پردازد تا سیر تحول گفتمان رفاهی را در این ۸ سال و ویژگی‌های گفتمانی این دوره را بازشناسی و معرفی کند. تفسیر و باز شناسی معنایی و معناکاوانه سیاستهای رفاهی در بستر تاریخی و اجتماعی دوره مورد بررسی، تجزیه و تحلیل چگونگی تأثیر زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی دوره‌های مذکور بر سیاستهای رفاهی از دیگر اهداف این تحقیق است.

رفاه در مفهوم عام به شکلهای مختلف در جوامع گوناگون مطرح گردیده است.در بسیاری از ایدئولوژیهای انسانی و آسمانی از جمله مهمترین اهداف بر شمرده شده سعادت بشری است و رفاه و تأمین مورد نظر آنها در قالب مفاهیمی نظیر عدل، یاری به نیازمندان، امنیت، آزادی و... معنا می‌یابد.

مفهوم رفاه اجتماعی در معنی خاص، مفهومی برآمده از تحولات مدرن در جامعه بشری است که پس از رنسانس و انقلاب صنعتی و مطرح شدن انسان به عنوان محور زندگی مورد توجه و تأکید اندیشمندان و دولتمردان قرار گرفت.

«این مفهوم افکار اجتماعی و سیاسی معاصر را چنان تحت تاثیر قرار داده است که یک قرن پیش، حتی تصور آن هم برای مفسران نا ممکن بود. البته چنین نیست که در گذشته اصلاً صحبتی از آن نشده باشد بلکه برعکس حتی بسیاری از مطالب مورد استفاده در بحث‌های سیاسی معاصر درباره‌ی رفاه، دست کم دویست سال قبل برای اولین بار شکل گرفت. تفاوت واقعی در اهمیتی است که امروز به آن داده می‌شود. وظیفه‌ای که دولت‌ها برای افزایش رفاه، بهزیستی، یا تامین زندگی به عهده گرفته اند امروزه بر تمام ارزش‌های

سیاسی دیگر، حاکم شده است، در حالی که توجه به این مسائل، زمانی در حاشیه دستور کار دولت قرار داشت. پس چنین نگرشی است که مفهوم رفاه را کاملا امروزی می‌سازد» (باری، ۱۳۸۰: ۵).

در جمهوری اسلامی ایران نیز پس از پیروزی انقلاب، رفاه اجتماعی به عنوان یک خط مشی در قانون اساسی مورد نظر قرار گرفت که اصول ۳-۲۱-۲۹-۳۱-۴۳ قانون اساسی به وضوح این گرایش را نشان می‌دهد.

توجه به رفاه اجتماعی بویژه پس از پایان جنگ هشت ساله، مورد تأکید مسؤولان نظام قرار گرفت به طوری که برای تعریف سیاست‌های بازسازی، شورایی تحت عنوان شورای سیاستگذاری بازسازی با دستور امام خمینی تشکیل شد که اعضای آن عبارت بودند از آیت الله خامنه ای، آیت الله موسوی اردبیلی، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و مهندس میرحسین موسوی. در تاریخ ۱۳۶۷/۷/۱۱ نیز امام خمینی (ره) در نامه‌ای خطوط اصلی سیاست‌های این شورا را اینچنین تبیین فرمودند: «برنامه‌ریزی در جهت رفاه متناسب مردم، مبارزه با فرهنگ مصرفی و تشویق به تولیدات داخلی، خروج از تکیه بر صادرات نفت، آزادی صادرات و واردات، و به طور کلی آزادی تجارت بر اساس قانون و با نظارت دولت در نوع و قیمت و همچنین توسعه حضور مردم در کشاورزی و صنعت و تجارت و بازسازی شهرهای تخریب شده و شکستن طلسم انحصار در تجارت داخل و خارج و بسط آن به توده‌های مردم و جامعه». (اطلاعات، ۱۳۷۲/۸/۶)

اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۰ که توسط سران کشورها امضا شده، همگان را متعهد کرده است که هرچه در توان دارند برای ریشه کن کردن فقر، ارتقای کرامت انسانی، بسط و گسترش عدالت، صلح و آزادی‌های اجتماعی و ثبات زیست محیطی انجام دهند.این شاخص‌ها و متغیرهای کلیدی که مرتبط با مقوله رفاه اجتماعی و توسعه پایدار انسانی هستند، علاوه بر اینکه روایی علمی بین المللی را دارا می‌باشند و با مبانی ارزشی انقلاب اسلامی هم سازگار است، رسماً توسط دولت جمهوری اسلامی ایران به امضا رسیده است. با این توصیف در دوران معاصر که با تعهد بی‌سابقه برای دسترسی به

توسعه پایدار انسانی و رفاه اجتماعی آغاز شده است، تحقق مولفه‌های رفاهی، یکی از کارکردهای ویژه‌ی دولت‌ها از جمله دولت جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود.

مرور منابع

در این پژوهش، سخنان رئیس جمهور دوران، به روش تحلیل گفتمان، مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. تحلیل گفتمان از لحاظ روش، در زمرهٔ تحلیل‌های کیفی قرار می‌گیرد و به عنوان یک روش پژوهشی در حوزه نسبتاً وسیع زبان‌شناسی، نقد ادبی، قدرت و سیاست، رسانه‌ها و ارتباطات، قوم‌شناسی و تبعیض و نابرابری اجتماعی، قومی، جنسی و سیاسی کاربرد دارد. تمام ادعای تحلیل گفتمان این است که تحلیل‌گر در بررسی یک متن (اعم از نوشتار یا گفتار)، از خود متن فراتر می‌رود و وارد بافت یا زمینه متن می‌شود. یعنی، از یک طرف به روابط درون متن و از طرف دیگر به بافت‌های موقعیتی، اجتماعی، سیاسی و تاریخی متن می‌پردازد. جریان‌های تولید و شناخت متن، اثرات متقابل اهل زبان بر یکدیگر و کاربردهای اجتماعی و فرهنگی گفتمان، در سطوح متفاوت تحلیل گفتمان، مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نورمن فرکلاف به عنوان یکی دیگر از اندیشمندان عرصه گفتمان و تحلیل گفتمانی که نظریاتش چارچوب نظری این تحقیق را شکل می‌دهد برای گفتمان وجهی تاسیس‌کننده قائل است. به نظر فرکلاف گفتمان چنان نیست که مستقل و از طریق تحلیل ساختارهای یک متن قابل تحقق باشد. گفتمان در منظومه تعاملات گفتمانی پیچیده با شرایط اجتماعی و سیاسی قابل فهم و تحلیل است. فرکلاف در مطالعات گفتمانی، نسبتی روش‌مند میان متن و زمینه اجتماعی و سیاسی برقرار می‌کند که این موضوع از نحوه تبیین او از رابطه میان زبان و قدرت نشأت می‌گیرد (تاجیک، ۱۳۸۲: ۵۹-۵۸).

از نظر نورمن فرکلاف مفهوم گفتمان «در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان شناسی گرفته تا ادبیات و فلسفه مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل گفتمان در معنای فنی خود به مجموعه‌ای بی طرف از ابزارهای متدولوژیک برای تحلیل آواها، نوشته‌ها، مصاحبه‌ها، مباحثات و غیره اشاره دارد». (Fairclough ،12: 1992)

فرکلاف در مقاله‌ای (۱۹۹۷) اظهار می‌دارد (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۱-۱۵۰):

الف) روابط قدرت و سلطه عملی گفتمانی است .

ب) گفتمان نقش ایدئولوژیک دارد و ایدئولوژی نیز گفتمان را شکل می‌بخشد.

ج) فرهنگ و جامعه با گفتمان ساخته می‌شوند .

د) گفتمان مسأله‌ای تاریخی است.

ه) گفتمان نوعی کنش اجتماعی است.

فرکلاف در چارچوب مباحث فوکویی معتقد است گفتمان‌ها، مجسم کننده معنا و ارتباطات اجتماعی هستند و شکل دهنده ذهنیت و نیز ارتباطات اجتماعی به شمار می‌روند.

به اعتقاد فرکلاف، بین ساختارهای خرد گفتمان (ویژگی‌های زبان شناختی) و ساختارهای کلان جامعه (ایدئولوژی و ساختارهای اجتماعی) رابطه دیالکتیکی وجود دارد. در این رابطه گرچه ممکن است ساختارهای کلان جامعه، ساختارهای خرد گفتمان را تعیین کنند، ولی ساختارهای گفتمانی نیز به نوبه خود ساختارهای ایدئولوژیک و گفتمانی را دوباره تولید می‌کنند (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

همین جا باید متذکر شد «با اینکه نظریه گفتمان یک نظریه جدید در محافل آکادمیک محسوب می‌شود، اما انتقادات اساسی نیز به آن وارد شده است که از جمله آنها چنین است: ۱ـ پراکندگی و عدم تثبیت ساختارها و روابط اجتماعی ۲ـ کنار گذاشتن مفهوم ایدئولوژی و تضعیف ارزش انتقادی آن و ۳ـ عدم توانایی یا بی میلی در تحلیل نهادی اجتماعی و سیاسی» (هوارت، ۱۳۷۸: ۵۳).

نورمن فرکلاف در رویکردی فوکویی به تحلیل گفتمان، معتقد است تحلیل گفتمان به بررسی مشکلات اجتماعی می‌پردازد. وی بر این باور است که تحلیل گفتمان امری تفسیری و تبیینی است و تحلیل گفتمان را نوعی تحلیل ایدئولوژیک از متون می‌داند.

«از نظر فرکلاف تنها توصیف، برای تحلیل گفتمان کافی نیست و باید از سطح توصیف به سطح تبیین رسید. به باور فرکلاف عامل فرهنگ، گفتمان و جامعه را به هم مرتبط

می‌کند» (آقا گل زاده، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

فرکلاف معتقد است تحلیل گفتمان باید تعاملات متن و فرا متن را در نظر بگیرد. این الگوی تحلیل گفتمانی فرکلاف از نحوه تبیین او از رابطه قدرت و زبان متاثر است. تحلیل گفتمانی به نظر فرکلاف با انجام سه مرحله سامان می‌پذیرد: توصیف، تفسیر و تبیین. به این ترتیب با روایت فرکلاف می‌توان بیرون از عرصه گفتمان از ساختارها و روابط اجتماعی و سیاسی سخن گفت.

هدف‌های مهم تحلیل گفتمان را می‌توان در چند محور به شرح زیر خلاصه کرد (فرقانی، ۱۳۸۱: ۵۹-۵۸):

ـ نشان دادن رابطه بین نویسنده، متن، خواننده.

ـ روشن ساختن ساختار عمیق و پیچیدهٔ تولید متن یعنی «جریان تولید گفتمان».

ـ نشان دادن تأثیر متقابل متن و زمینه بر یکدیگر.

ـ نشان دادن بی‌ثباتی معنا.

ـ آشکار ساختن رابطه بین متن و ایدئولوژی.

در خصوص دلایل انتخاب روش تحلیل گفتمان برای این مطالعه باید بیان کرد، تحلیل گفتمان به عنوان یک تحلیل کیفی این امکان را به پژوهشگر می‌دهد یک موضوع را از جنبه‌های متفاوتی بررسی کند و همچون روشهای کمّی، ابزارهای معدود و تعریف شده‌ای را به دست نمی‌دهد. از سوی دیگر در روش تحلیل گفتمان نقش باورها و توجهات خاص پژوهشگر به عنوان یک وجه کلیدی مورد تصدیق قرار می‌گیرد و معانی درونی مفاهیم، واژه‌ها و گزاره‌ها در کانون بحث مد نظر محقق قرار می‌گیرد. نقطه کانونی تحلیل گفتمان، بررسی یک متن نوشتاری یا گفتاری با فرا رفتن از خود متن و پرداختن به بافت و زمینه آن است.

روش تحقیق

فرکلاف معتقد است که تحلیل گفتمان باید تعاملات میان متن و فرامتن را در نظر بگیرد. بر همین اساس، وی گفتمان را در سه سطح یا سه مرحله توصیف، تفسیر، و تبیین

مدنظر قرار می‌دهد. سطح اول، گفتمان به منزلهٔ متن است که شامل گفتار و نوشتار است. سطح تحلیل این گفتمان توصیف است که فرکلاف آن را تحلیل متن نیز می‌نامد. سطح دیگر، شامل اعمال گفتمانی است. این سطح ناظر بر فرایند تولید و تفسیر متن است که در سطح تفسیر یا تحلیل فرآیند «تحلیل گفتمان» قرار دارد. سطح دیگر گفتمان مربوط به بافت یا زمینهٔ متن است که فرکلاف سطح تحلیل آن را «تبیین یا تحلیل اجتماعی» می‌نامد. به عبارت دقیق‌تر، فرکلاف گفتمان را در سه سطح «گفتمان به منزلهٔ متن»، «گفتمان به منزله اعمال گفتمانی یا کنش متقابل» و «گفتمان به منزلهٔ بافت یا زمینه متن» مورد توجه قرار داده و برای آنها به ترتیب سه سطح توصیف زبان شناختی متن (تحلیل متن)، تفسیر روابط بین فرآیندهای گفتمانی و متن (تحلیل فرآیند) و تبیین روابط اجتماعی بین اعمال گفتمانی و زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی متن (تحلیل اجتماعی) بر شمرده است.

به منظور بررسی سیر تحول گفتمان رفاه اجتماعی ایران، دوره تاریخی از سال ۱۳۷٦ تا ۱۳۸٤ انتخاب شده است تا با ملاحظه ویژگیهای این دوره بتوان تصویری از تحولات گفتمان رفاه اجتماعی کشور را به دست آورد.

گرچه مفهوم رفاه اجتماعی به عنوان یک مقوله مستقل، از موارد بحث انگیز و چالش آفرین پس از انقلاب اسلامی بوده است، اما توجه و تمرکز به آن و ورود این مقوله به ساختارهای اجتماعی و گفتمان دولتمردان پس از پایان جنگ، شکل جدیدتری به خود گرفت.

در این پژوهش، جامعه موردنظر، شامل تمام سخنان رئیس جمهوری در دوران اصلاحات است. برای انتخاب متن‌ها و تعیین جامعه مورد نظر ابتدا متن سخنان آقای خاتمی در دوره تعیین شده، مطالعه، بررسی و مرور گردید و سپس از میان آنها متن‌هایی که جنبه نمونه و معرف داشته‌اند یا به بیان دیگر، بیشترین نقش را در بازنمود گفتمان حاکم داشته‌اند، انتخاب شدند. به این ترتیب، نمونه این تحقیق، سخنان «معرف» بوده است که تعداد آنها پنج متن می‌باشد. در واقع، نمونه‌گیری در این پژوهش، «هدفمند» می‌باشد، زیرا در تحلیل گفتمان، اساساً کیفیت حضور یا غیبت مفاهیم در متن، موردنظر است و روش نمونه‌گیری هدفمند، در این پژوهش بهتر می‌تواند پاسخگوی هدفهای تحقیق باشد.

متن‌های مورد بررسی در دوره مذکور به این قرارند:

ـ متن سخنان آقای خاتمی در مراسم تحلیف هفتمین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۷٦).

ـ سخنان آقای خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد (۱۳۷۷).

ـ متن سخنان آقای خاتمی دربین نمایندگان پیرامون ارائه لایحه سوم برنامه توسعه (۱۳۷۷).

ـ متن سخنان آقای خاتمی درهنگام اعلام برنامه انتخاباتی در مبارزات انتخاباتی دوره هشتم ریاست جمهوری (۱۳۸۰).

ـ سخنان آقای خاتمی در مراسم تحلیف هشتمین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰).

از آنجا که جامعه مورد مطالعه یا جامعه آماری این پژوهش، کلیه سخنان انتخاب شده می‌باشد. تلاش شده است که متن سخنان انتخاب شده در این پژوهش، سخنانی باشد که دیدگاههای رئیس جمهوری دوران اصلاحات را بیان کند و جهت‌گیری اساسی وی را در مسند ریاست جمهوری تبیین می‌نماید و معرف گفتمان حاکم بر این دوران باشد. در مراسم تحلیف جهت گیری‌های اساسی و برنامه‌های رؤسای جمهوری توسط آنها بیان می‌شود. انتخاب متن سخنان هنگام ارائه لایحه سوم نیز بدین دلیل بوده است که لایحه توسعه، برنامه‌ها و اندیشه رئیس جمهور را تبیین می‌نماید و مهمترین سند قانونی برای تشخیص جهت گیرهای هر دوره ریاست جمهوری می‌باشد. در دوره آقای خاتمی، برنامه چهارم نیز تدوین گردید، اما ترجیح داده شد که به جای انتخاب متن مربوط به این برنامه متن سخنان رئیس جمهور در هنگام مبارزات انتخاباتی دوره دوم ریاست جمهوری انتخاب شود. برای انتخاب متن پنجم سخنان رؤسای جمهوری تلاش شد متنی انتخاب شود که در چارچوب فضای ذهنی و گفتمان آقای خاتمی، یکی از مهمترین نمونه‌های معرف باشد. بر این اساس، متن سخنرانی ایشان در مراسم اولین سالگرد دوم خرداد در سال ۱۳۷۷ که در دانشگاه تهران بیان شد انتخاب گردید زیرا این سخنرانی به اذعان بسیاری از صاحبنظران،

یکی از سخنرانیهای مهم خاتمی در بیان تبار فکری خود و تشریح عناصر اساسی گفتمان دوره اصلاحات بوده است.

مفاهیم رفاه اجتماعی به کار رفته در متن در بخش توصیف مورد توجه قرا می‌گیرد. بنابراین بررسی حضور یا عدم حضور این مفاهیم در متون مورد تحلیل، می‌تواند به عنوان یک نشانگر، رابطه یا نسبت متون را با رفاه اجتماعی به تصویر بکشد.

به منظور سنجش این متغیر، ابتدا فهرستی حاوی ۲۹ قلم از مفاهیم اساسی رفاه اجتماعی تهیه شد و سپس با تلخیص و تلفیق، این فهرست به ۱۸ قلم کاهش یافت. در جریان مطالعه متون مورد بررسی، حضور یا غیبت هر یک از این مفاهیم و نیز میزان تکرار و کارکرد آنها، حائز اهمیت تلقی شد.

فهرست مزبور، حاوی مواردی به شرح زیر بود:

۱. عدالت
۲. آزادی
۳. نیاز
٤. تأمین
۵. امنیت
٦. مشارکت سیاسی
۷. کیفیت زندگی
۸. توسعه پایدار مبتنی بر عدالت زیست محیطی
۹. توسعه سیاسی
۱۰. نهادهای مدنی
۱۱. اشتغال
۱۲. فقر
۱۳. تأمین اجتماعی

۱٤. گروههای در معرض خطر و آسیب پذیر
۱۵. مسکن
۱٦. توسعه اقتصادی
۱۷. نظام پرداخت یارانه
۱۸. شهروند و حقوق شهروندی

واحد تحلیل در این پژوهش، محتوای کل متن سخنان انتخاب شده، که براساس محورهای تعیین شده در فرم تحلیل گفتمان به طور خاص برای این تحقیق، تهیه و طراحی گردیده است، ابتدا اطلاعات و مفاهیم موردنظر، استخراج و سپس به روش تحلیل گفتمانی، تحلیل شده‌اند.

یافته‌ها

متن اول

مراسم تحلیف آقای خاتمی در مردادماه ۱۳۷٦ در حالی برگزار شد که از دوم خرداد به عنوان یک حماسه یاد می‌شد و رهبری نظام نیز در پیام خود بعد از دوم خرداد، از این روز تعبیر به حماسه کرده بود. حضور آقای خاتمی در مسند ریاست جمهوری آنهم پس از انجام یکی از رقابتی‌ترین انتخابهای ریاست جمهوری کشور، فضای سیاسی، اجتماعی کشور را به شدت تحت تأثیر قرار داده بود. بی اغراق باید عنوان کرد پیروزی آقای خاتمی در عرصه انتخابات ریاست جمهوری چه در سطح داخلی و چه در بعد بین‌المللی امری غیر منتظره تحلیل شد.

جدول شماره ۱ـ تحلیل گفتمان متن اول (خاتمی، خردادماه ۱۳۷٦)

واژگان کانونی	قانون، جامعه امن، مشارکت، مردم، نقد، اصلاح، عدالت، ترویج دین و اخلاق، اندیشه و خرد، مواهب مادی و معنوی، فرصت مساوی، توسعه نیروی انسانی، شور و نشاط، شهروند، آزادی، حرمت اشخاص، دین، نیاز، دسترسی به امکانات، تامین.
واژگان سلبی	تبعیض، زیاده طلبی، فقر، شکاف اجتماعی، خود کامگی، رذیلت اخلاقی.
قطب‌بندی‌ها	رذیلت‌های اخلاقی در مقابل معنویت و اخلاق محمدی (ص)، فقر در مقابل توسعه همه جانبه و متوازن، شکاف اجتماعی در مقابل توسعه بدون عدالت یا عدالت بدون توسعه و هم چنین عدالت در مقابل تبعیض.
مفاهیم رفاه اجتماعی متن	نیاز، تأمین، عدالت، مشارکت، امن، شهروند، فرصت مساوی، توسعه، دسترسی به امکانات، آزادی. واژه توسعه نیز در این متن تحت عنوان توسعه پایدار به کار رفته است.
جان کلام متن	«نیاز اصلی ما توسعه همه جانبه و متوازن و توام با عدالت در قالب جمهوری اسلامی است.»
پیش فرض‌های سخنران در متن	۱. تامین عدالت و مصلحت بشری در نظام اسلامی یک ضرورت است. ۲. استفاده از خرد و اندیشه جهت تحقق عدالت و مصلحت یک ضرورت است. ۳. برای گام برداشتن به سوی جامعه‌ای که سرمشق جهان کنونی باشد، راهی جز تعمیم و گسترش عدالت در همه عرصه‌ها نیست.

سخنران در این متن تلاش دارد نشان دهد نه تنها بین توسعه همه جانبه، مشارکت شهروندان، خردورزی و بهره‌مندی از تحقیقات و کارشناسی‌ها با دیدگاه‌های دینی و مذهبی تعارضی وجود ندارد، بلکه اگر دین را طوری بفهمیم که در همه زمانها بتواند جوابگوی همه نیازها باشد آنگاه پشتوانه اصلی توسعه پایدار و متوازن نیز می‌باشد. در بین مقوله‌های رفاهی که در گفتمان خاتمی حضور دارند، عدالت و آزادی و توسعه‌ی همه جانبه، جایگاه بسیار ویژه‌ای به خود اختصاص داده اند و سایر مؤلفه‌ها ذیل این سه عنوان قابل تحلیل می‌باشند.

با توجه به این بستر و زمینه اجتماعی سیاسی، فرهنگی می‌توان در تبیین متن حاضر این‌گونه اظهار داشت که سخنران برای خنثی کردن فضای ایجاد شده مبنی بر کمرنگ بودن

گرایش‌های دینی و مذهبی خود، تلاش می‌کند مبنای دینی و مذهبی به جهت‌گیری اساسی خود بدهد و لذا جان مایه برنامه خود را که حرکت به سمت توسعه پایدار است مبتنی بر وظیفه نظام اسلامی بیان می‌کند و برتقید به موازین شرع، ترویج دین واخلاق، ارتقای اندیشه اسلامی و پایدار کردن ارزشهای اسلامی تاکید می‌کند.گوینده همچنین تلاش دارد ضمن اصرار برعظیم و حماسی جلوه دادن حضور مردم که علی‌القاعده پشتوانه و تأیید کننده وی نیز هستند، پشتوانه عظیم مردمی را یادآوری کند و از سوی دیگر برخی دغدغه‌هایی را که احتمالاً در مبارزات انتخاباتی بین جامعه دیندار ایجاد شده است، رفع نماید .فضای ارائه شده توسط سخنران فضایی مثبت، امیدوار کننده و سرشار از واژگان ارزش ایجابی و مثبت است که این هم متأثر از فضا و بستر سخنرانی است.

با توجه به بستر و زمینه اجتماعی، فرهنگی و سیاسی که سخنران متن خود را ایراد کرده است، باید اظهار داشت، گفتمان ارائه شده نمی‌تواند در جهت حفظ وضع موجود باشد چنانکه نمی‌خواهد ساختار شکن شود. بلکه نگاه و رویکرد اصلاحی جدید را در چارچوب ظرفیت‌های جامعه، نظام سیاسی وظایف ریاست جمهوری و نظام ارائه می‌کند. رویکردی که ویژگیهای گفتمانی آن را در حوزه رفاه می‌توان تاکید برحقوق شهروندی، قانونمداری، ارائه نگاه جدید از عدالت که متکی بر ایجاد فرصت مساوی و دسترسی به فرصت برابر در همه عرصه‌هاست.

متن دوم

این متن که شامل سخنرانی آقای خاتمی در اولین مراسم سالگرد دوم خرداد درتاریخ سوم خرداد ۱۳۷۷ می‌باشد، به اذعان بسیاری از کارشناسان و صاحبنظران یکی از مهمترین سخنرانی‌های آقای خاتمی تلقی می‌شود. خاتمی در این سخنرانی تبار فکری خود و جنبش اصلاحات را بیان کرده و به تبیین دستاوردهای دوم خرداد می‌پردازد. این متن، بویژه از آن جهت دارای اهمیت است که برای گفتمان اصلاحی یک تاریخچه فکری و مبانی اندیشه‌ای تدوین می‌کند. انتخاب دانشگاه تهران به عنوان مکان این سخنرانی نیز از منظر بافت موقعیتی در تحلیل گفتمان حائز اهمیت است.

جدول شماره ۲ ـ تحلیل گفتمان متن دوم (خاتمی، خرداد ۱۳۷۷)

واژگان کانونی	دوم خرداد، جامعه مدنی، مردم، تثبیت، قانون، دستاورد، آزادی، دین، عدالت، توسعه، حاکمیت مردم، پیشرفت، اسلام، ایران، جوانان، اعتماد، توسعه سیاسی، دولت مقتدر.
واژگان سلبی	دیکتاتور، ذهنیت بدبین، فاشیسم، آنارشیسم، هرج و مرج، ولنگاری اخلاقی و معنوی، ناهنجاریهای اجتماعی و سیاسی، تهدید، توطئه، شیطنت، تعصب، مشکلات، محرومیتها.
قطب‌بندی‌ها	نشاط در مقابل یاس، بحران تزلزل در مقابل معنویت و اخلاق، فقر در تقابل با آزادی،
مفاهیم رفاه اجتماعی متن	عدالت، آزادی، پیشرفت، توسعه، مردم سالاری.
جان کلام متن	دوم خرداد آغاز دوره سوم نظام جمهوری اسلامی است که ویژگی اصلی آن تثبیت نظام است».
پیش فرض‌های سخنران در متن	مهمترین مانع قانونگرایی در ایران جنبه ذهنی آن است. هرچه در مقابل آزادی قرار داده شود، لطمه می‌بیند چه قانون، چه دین، چه عدالت. آزادی به معنای آزادی مخالف است نه آزادی افراد همراه با قدرت. دولت مقتدر دولتی است که ظرفیت انتقاد داشته باشد.

مفاهیم رفاه اجتماعی به کار رفته یعنی عدالت، آزادی، پیشرفت، توسعه و مردم سالاری در زمره عناصر اصلی رویکردهای جدیدی نظیر توسعه اجتماعی، توسعه‌ی پایدار و سرمایی‌ی اجتماعی قرار دارند. گفتمان این متن از یکسو در پی تقدس زدایی از قدرت و دولت به نفع مردم و شهروندان و از سوی دیگر در پی تبیین مفاهیم کلیدی مد نظر خود، نظیر آزادی و توسعه سیاسی می‌باشد.

فضا و زمینه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی این سخنرانی حضور گسترده و فعال نسل جوان در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی توأم با امیدواری به چشم اندازهای تازه در آینده بود. مرجعیت دانشگاه و محافل دانشگاهی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و مقاومت ساختار رسمی در مقابل گفتمان ارائه شده از سوی سید محمد خاتمی بخشی از فضای سیاسی و اجتماعی بودند که این متن تحت آن فضا ارائه شد. این گفتمان از طریق ایجاد ایدئولوژیها، وجه تعیین کنندگی و خلاقیت خود بر روابط قدرت اثر گذار بوده است. اثر گذاری ایدئولوژیک این گفتمان، بیشتر ناشی از خلاقیتهای فردی سید محمد

خاتمی در ارائه گفتمانی است که پاسخگوی مطالبات روز می‌باشد. خاتمی برآن است که چهره تازه‌ای از رئیس جمهوری را در نهادهای سیاسی متبلور کند؛ چهره‌ای که گفتمان توسعه، آزادی و پیشرفت را با دین درهم می‌آمیزد و طبق آنچه خود عنوان می‌کند در پی کار آمد کردن نظام جمهوری اسلامی است.

گفتمان غالب این متن آزادی و قانون است. این متن یک سال پس از پیروزی دوم خرداد با ارائه تحلیل دقیق از جایگاه دوم خرداد در ادوار جمهوری اسلامی در کنار تحلیل و استقبال از حاکمیت قانون و نهادینه شدن آزادی نسبت به خطرات سوء استفاده از آزادی که نتیجه‌اش یا آنارشیسم است یا فاشسیسم هشدار می‌دهد.

متن سوم

در آذرماه ۱۳۷۷ لایحه برنامه سوم به عنوان عالی‌ترین سند قانونی کشور توسط آقای خاتمی به مجلس ارائه شد. تبدیل شعارها و برنامه‌های آقای خاتمی به یک چارچوب قانونی برای اجرا، آن‌قدر مهم بود که توجه ناظران، تحلیلگران و افکار عمومی را معطوف به مؤلفه‌های اصلی برنامه سوم بکند. همگان منتظر بودند تحقق شعارهای اصلی خاتمی یعنی قانونگرایی، توسعه سیاسی و نهادینه کردن آزادی را در برنامه سوم توسعه شاهد باشند. تأکید مکرر آقای خاتمی بر مفهوم توسعه همه جانبه و موزون در برنامه سوم توسعه متبلور گردیده بود. برنامه‌ای که سید محمد خاتمی آن را وفای به عهد خود با مردم و شهروندان اعلام کرده و تنظیم و تدوین آن را مطابق با نیازهای روز جامعه و شرایط بین‌المللی ارزیابی کرده بود.

جدول شماره ۳ـ تحلیل گفتمان متن سوم (خاتمی، آذر ۱۳۷۷)

واژگان کانونی	قانون، عهد، توسعه همه جانبه، حرمت انسان، حقوق مردم، آزادی، مشارکت، شهروند، نوگرایی، اعتدال، جوان، منابع انسانی، ایران، وفاق ملی، تحرک اجتماعی، عدالت، معیشت، سلامت، آگاهی اجتماعی، فرصت شغلی، اندیشه، اصلاحات، پیشرفت، نقد.
واژگان سلبی	زیانهای اجتماعی، تزلزل معنوی، گسستگی در روابط اجتماعی، عقب ماندگی علمی، گسستگی تاریخی، فقر، خشونت، تشنج، بیکاری.
قطب‌بندی‌ها	نشاط در مقابل یاس، بحران تزلزل در معنویت و اخلاق در مقابل ارتقای اندیشه اسلامی، معنوی واخلاقی، اختلال در برخورداری انسان از طبیعت در مقابل بهره‌مندی از مواهب مادی ـ معنوی طبیعی. سخنران همچنین بر برخی تقابلهای مصنوعی و رقابتهای غیرضروری که حاصل رشد و توسعه غیر متوازن است، نظیر فقر در مقابل آزادی تأکید می‌کند.
مفاهیم رفاه اجتماعی متن	این متن فاقد مفاهیم رفاه اجتماعی می‌باشد و همه چیز به سازندگی، برنامه‌ی اول توسعه و مسائل مرتبط با مقوله‌های اقتصادی محدود شده است. می‌توان تاکید سخنران بر مقوله تولید و فعال کردن کارخانجات را به صورت کمرنگ در حوزه ابعاد اقتصادی رفاه در نظر گرفت.
جان کلام متن	«ویژگی اصلی و بارز برنامه سوم توسعه، تأکید بر توسعه متوازن و همه جانبه و جلب مشارکت قانونمند و سامان یافته همه شهروندان است».
پیش فرض‌های سخنران در متن	۱ـ توسعه همه جانبه، پایدار و موزون مبنای این برنامه بوده است. ۲ـ تأمین حقوق و آزادیهای مشروع و قانونی شهروندان در متن برنامه سوم پیگیری شده‌است. ۳ـ رشد اقتصادی و توسعه اقتصادی بدون برخورداری از توسعه متناظر در توسعه سیاسی اجتماعی فرهنگی نامطلوب است و موجب تقابل فقر و آزادی خواهد گشت. ٤ـ مهمترین چالش در جامعه امروز و سالهای آینده، چگونگی استقرار ساختارها و نهادهایی خواهد بود که بتواند نشاط و نوگرایی ناشی از جوانی، جمعیت، مشارکت خواهی ناشی از رشد اجتماعی را پاسخ دهد.

سید محمد خاتمی در شهریور ماه ۱۳۷۸ حدود ۲ سال پس از تصدی سمت ریاست جمهوری، لایحه برنامه سوم را به مجلس می‌آورد. زمینه و بستر اجتماعی سیاسی و فرهنگی که این متن در آن زمینه و بستر ایراد می‌شود، شباهتهای فراوانی با بستر و زمینه فضایی دارد که متن قبلی این سخنران رادر مراسم تحلیف ۱۳۷٦ تبیین کردیم.

در این متن سخنران مشارکت شهروندان و دفاع از حقوق شهروندان را در قالب جامعه مدنی، یک مبنا برای پیشرفت کشور و شرط لازم برای محقق شدن توسعه همه جانبه در قالب برنامه سوم می‌داند و صراحتاً عنوان می‌کند که توسعه اقتصادی بدون توسعه ملازم سیاسی، مطلوب نیست. سخنران، محقق شدن برنامه سوم و توسعه متوازن را از درون یک دولت اقتدارگرا ارزیابی نمی‌کند، بلکه پیشبرد این برنامه را تنها محصول حضور مؤثر جامعه مدنی و مشارکت شهروندان در فضای آزاد و قانونمند می‌داند.

در این بستر خاتمی برنامه سوم توسعه را به عنوان وفای به عهد خود با مردم ارائه می‌کند در حالی‌که هم باید فضایی پدید آورد تا ارکان نظام برای اجرای این برنامه وفاق و همدلی داشته باشند و هم باید پاسخگوی مطالبات فزاینده مردم از خود باشد. بدین ترتیب گفتمان متن حاضر از یکسو حاوی دغدغه‌ها و نظریات و برنامه‌های رئیس جمهور با درنظر گرفتن ملاحظات و موانع قانونی و عرفی است، از سوی دیگر حاوی مفادی است که سایر ارکان نظام برای تحقق آن همراه شوند و هم چنین دارای ویژگیهایی است که مردم مطالبات خود را در آن متبلور ببینند.

در این متن، شاهد استفاده از وجه ارزش بیانی دستوری و امری هستیم. این وجهیت بیانی به وسیله افعالی نظیر بایستن و توانستن و ممکن بودن میسر می‌شود. در خصوص استفاده از ارزشهای رابطه‌ای در این متن، سخنران از ضمیر «ما» به گونه‌ای استفاده می‌کند که عهده‌دار همسان سازی رئیس جمهور با مردم است. و اعمال و اندیشه‌های وی با مطالبات و ادراکات مردم همسان است.

برحسب جایگاه فاعلی مولد، وجه دستوری به کار رفته بیانگر وجه بیانی حقیقت مسلم است. سخنران در این متن، تلاش می‌کند علاوه بر تشریح برنامه‌ها به عنوان یک نصحیت کننده دلسوز نظام نیز نمودار گردد. در این متن در حوزه رفاه، مهمترین شاخصهایی که در این گفتمان مشهود است توجه به حرمت، حقوق و آزادی شهروندان در چارچوب قانون است.

متن چهارم

در اردیبهشت ماه ۱۳۸۰ اصلی‌ترین سخنرانی انتخاباتی سیدمحمد خاتمی در ورزشگاه شیرودی، در حضور بیش از بیست هزار نفر از طرفدارانش برگزار گردید. خاتمی که دوره

قبل ریاست جمهوری خود را با فراز و نشیبهای فراوان و به تعبیر خودش بحرانهای مختلف به سرانجام رسانده بود، در حالی وارد مبارزات انتخاباتی دوره هشتم ریاست جمهوری شد که این‌بار عرصه انتخابات شاهد حضور چهره‌های مختلف و حتی وزیر دفاع دولت بود. عدم تحقق برنامه‌ها و محقق نشدن شعارها و وعده‌های انتخاباتی خاتمی نیز فضایی بود که کم و بیش در جامعه وجود داشت.

جدول شماره ٤ ـ تحلیل گفتمان متن چهارم (خاتمی، خرداد ۱۳۸۰)

واژگان کانونی	آزادی، جنبش، اندیشه، مردم، هویت، پیشرفت، عدالت، جمهوری اسلامی، مردم، قانون، اصلاحات حقوق اساسی، مردم سالاری، مشارکت، حرمت انسان، نهادهای مدنی، اعتدال، جوانان، حقوق شهروندی.
واژگان سلبی	عقب ماندگی، استبداد، خودکامگی، استعمار، ناکامی، تکفیر، تفسیق، افراط، تفریط، مشکلات عینی، مطرود، محروم.
قطب‌بندی‌ها	کنج خلوت در تقابل با پذیرش مسئولیت اجرایی، افراط و تفریط درمقابل اعتدال، مطرود و محروم در مقابل از غربت بیرون آمده، ناکامی درمقابل پیروزی، استبداد در تقابل آزادی و قانون، نوآوری در تقابل سنت.
مفاهیم رفاه اجتماعی متن	آزادی، مشارکت، عدالت، حرمت انسان، مردم سالاری، پیشرفت و حقوق شهروندی.گوینده متن مفاهیم رفاهی را در رویکرد مدرن به کار می‌برد و تلقی وی از رفاه اجتماعی به معنای تقویت سرزندگی جامعه‌ی مدنی، افزایش تعامل بین جامعه‌ی مدنی و حکومت، مسئولیت پذیری بیشتر حاکمیت، افزایش سطح ازادی‌ها و تامین رضایت مردم و افزایش توانمندی آن‌ها می‌باشد.
جان کلام متن	«هدف اصلی جنش اصلاحی ملت ایران استقرار مردم سالاری سازگار با معنویت و مشارکت مردم است و تاکتیک رسیدن به این هدف اعتدال و اصلاحات در همه عرصه‌هاست».
پیش فرض‌های سخنران در متن	۱ـ دوم خرداد بروز و ظهور خواستهای تاریخی ملت ایران بوده است. ۲ـ شعارهای سخنران که در انتخابات پیشین ریاست جمهوری ضد دین و انقلاب و مردم تبلیغ می‌شد، در فضای رسمی امروز به گفتمان غالب و موضع‌گیری رسمی بدل شده است. ۳ـ خواستهای تاریخی ملت ایران عبارتند از استقلال، آزادی و پیشرفت. ٤ـ شکست انقلاب اسلامی به این است که انقلاب از محتوا تهی شود. ۵ـ جنبش اصلاحی دوم خرداد، تداوم جنبش عظیم دو سه قرن گذشته ملت ایران و مرحله تکاملی جمهوری اسلامی است. ٦ـ در یک نظام مردم سالار دینی علاوه بر حاکمیت اخلاق و قانون و نهادهای رسمی باید نهادهای مدنی نظیر احزاب و مطبوعات به عنوان حافظ وضع مردم سالاری و مراقبان دائمی قدرت حضور داشته باشند. ۷ـ هدف اصلی همه اقوام ایران، استقرار مردم سالاری دینی می‌باشد.

با نگاهی به واژگان مطرح شده در متن می‌توان دریافت که واژه «جنبش» و الحاقات آن نظیر جنبش عظیم اجتماعی، جنبش اصلاحی و جنبش دوم خرداد با بیش از بیست بار تکرار، در زمره واژگان پربسامد متن بوده است. «مردم سالاری» نیز همراه با واژگانی که دارای شمول معنایی با آن بوده اند نظیر «دمکراسی» با بیش از چهارده بار تکرار از دیگر واژگان پربسامد این متن بوده‌اند.

واژگان رفاه اجتماعی استفاده شده در این متن، نظیر آزادی، مشارکت، عدالت، حرمت انسان، مردم سالاری، پیشرفت و حقوق شهروندی توسط گوینده متن در رویکرد مدرن به کار برده می‌شود و تلقی وی از رفاه اجتماعی به معنای تقویت سرزندگی جامعه مدنی، افزایش تعامل بین جامعه‌ی مدنی و حکومت، مسؤولیت پذیری بیشتر حاکمیت، افزایش سطح آزادی‌ها و تأمین رضایت مردم و افزایش توانمندی آن‌ها می‌باشد.

این متن به عنوان برنامه اصلی ریاست جمهوری آقای سید محمد خاتمی در ایام رقابتهای انتخاباتی ریاست جمهوری هشتم بیان می‌گردید. دغدغه اصلی فضای عمومی جامعه به ویژه در سطح نخبگان، میزان موفقیت خاتمی در تحقق برنامه‌های دور اول ریاست جمهوری‌اش بوده است. این رقابت انتخاباتی ریاست جمهوری با حضور حدود ده کاندیدا برگزار می‌شد که یکی از متکثرترین انتخابات ریاست جمهوری بعد از انقلاب به شمار می‌رفت. کاندیداهایی که بعضاً شعارها و مطالباتی که بیان می‌کردند از جنس گفتمان خاتمی بود.

سخنران با ارائه تفسیری از پیروزی مردم که همان حاکم شدن گفتمان غریب دوم خرداد در گفتمانهای رسمی و غالب بوده است، تلاش می‌کند به دغدغه‌ها و ابهامات در خصوص موفقیتهای خوددر دوره قبلی تصدی سمت ریاست جمهوری پاسخ دهد.

با توجه به اینکه هم در گفتمانهای رسمی و هم از سوی سایر رقبا، شاخصهای گفتمان خاتمی نظیر قانونمداری، عدالت، آزادی و جامعه مدنی مورد تأکید و اشاره قرار گرفته است، خاتمی در این متن بخش عمده‌ای از سخنرانی خود را به تبیین و تشریح محتوای مفاهیم مورد نظر خود اختصاص می‌دهد.

در حوزه رفاه اجتماعی آنچه در این متن علاوه بر مواردی نظیر آزادی، عدالت، پیشرفت و حقوق شهروندی مورد توجه قرار گرفته است تلاش برای تزریق روح امید و نشاط ناشی از پیروزی است و ابعاد سیاسی و اجتماعی رفاه اجتماعی در این متن مورد تأکید بوده است. همچنین از میان آنچه سخنران به عنوان خواستهای تاریخی ملت بیان می‌کند، یعنی استقلال، آزادی و پیشرفت، دو مورد آن یعنی «آزادی و پیشرفت» به‌طور مستقیم با مقوله رفاه اجتماعی مرتبط هستند. در این متن گفتمان آقای خاتمی بین مردم و آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور بیانی آمیخته با اقتدار و همبستگی ایجاد می‌کند. این گفتمان بیشتر در تلاش است به نحوی بالقوه و ایدئولوژیک دارای وجوه تعیین کنندگی و خلاقیت در جا انداختن مفهوم مردم سالاری به عنوان هدف جنبش اصلاحی دوم خرداد باشد.

متن پنجم

دومین مراسم تحلیف آقای خاتمی در مردادماه ۱۳۸۰ در مجلس شورای اسلامی برگزار شد. آقای خاتمی اولین رئیس جمهوری بعداز انقلاب اسلامی بود که در دورهٔ دوم ریاست جمهوری رأی بیشتری نسبت به دوره اول ریاست جمهوری خود کسب کرد.

خاتمی که در اولین مراسم تحلیف خود در چهار سال پیش، وارد کردن گفتمان جدید در نهاد سیاست ایران در قالب نظام جمهوری اسلامی را به عنوان اصلی ترین دغدغه خود عنوان می‌کرد، در دوره دوم ریاست جمهوری خود ورود آن گفتار غریب چهار سال پیش به ساختار رسمی را پیروزی بزرگ مردم قلمداد می‌کند، اما این بار دغدغه اصلی برای خاتمی، تحریف محتوای گفتار اخیرا و دگرگونی مفهوم مؤلفه‌های اصلی گفتمان اصلاحی است.

جدول شماره۵ ـ تحلیل گفتمان متن پنجم (خاتمی، مرداد ۱۳۸۰)

واژگان کانونی	حق، عهد، رأی، نقد، پیشرفت مشارکت، قانون، شهروند، اصلاح، آزادی، نهادهای مدنی، توسعه همه جانبه مردم سالاری، اخلاق، عدالت، مردم، جمهوری اسلامی.
واژگان سلبی	روشهای خشن، ذهنیتهای تنگ، اباحیگری، عقب ماندگی، توسعه نیافتگی، تصلب ساختاری، ناتوانی در فهم عمیق، دروغ، خشونت طلبی، تکبر، خودخواهی.
قطب‌بندی‌ها	خودکامگی در تقابل با حمایت از آزادی، قانونگرایی در مقابل قانونگریزی، روشهای خشن و ناموجه در دفاع از دین در مقابل دفاع مبتنی بر فرهنگ، گفتگو و عقلانیت از دین، اصلاح عملکرد نظام سیاسی در جهت رأی مردم در مقابل اصلاح و کنترل مردم در جهت خواست حکومت، موفقیت در مقابل شکست، اعتدال در تقابل با افراط و تفریط، مصالح فردی در تقابل منافع عمومی، منطق و گفتگو در مقابل خشونت.
مفاهیم رفاه اجتماعی متن	حقوق اجتماعی، مردم سالاری، شهروند، آزادی، پیشرفت، اشتغال، معیشت مردم، نظام جامع تأمین اجتماعی
جان کلام متن	«مهمترین ضرورت امروز و فردا، تثبیت و نهادینه کردن مردم سالاری، توسعه نهادهای مدنی، حمایت از حقوق ملت و اصرار برقانون اساسی است»
پیش فرض‌های سخنران در متن	مسئله اصلی کشور استقرار مردم سالاری دینی است که هدف و حاصل انقلاب اسلامی بوده است. وجه ممتاز نظام جمهوری اسلامی اعتباری است که به نام دین برای حقوق شهروندی، حاکمیت ملت و پیشرفت همه جانبه قائل است. توسعه همه جانبه و پایدار مقصد مهم تلاش دولت و ملت است. مضمون مشترک مبارزات فکری و مردمی سالیان گذشته ایرانیان توجه به حقوق اساسی ملت بوده است. مسیر دستیابی به مردم سالاری دینی اصرار براصول اعتدال است.

برحسب جایگاه فاعلی مخاطبان سخنران در جایی مجموعه نظام و کارگزاران آن را برای استقرار خواست مردم مخاطب قرار می‌دهد و در جایی دیگر مردم مخاطبان او هستند. در جایی دیگر نیز منتقدین دولت مخاطب سخنران قرار می‌گیرند. در این متن گوینده به منظور مؤثر واقع شدن دیدگاهها و بیانات خود، آنها را به سوگند نامه ریاست

جمهوری، فرمایشهای حضرت علی (ع) وافرادی نظیر علامه نایینی، آیت ا... طالقانی و امام خمینی مستند می‌کند تا بدین شکل، ارزیابی مثبتی در ذهن مخاطب متبادر سازد.

سخنران تلاش اصلی خود را برای تبیین و تفسیر مفهوم مردم سالاری دینی و بیان ویژگیها و شاخصها و ملاکهای آن از یک سو و ذکر مبانی تئوریک دینی و تاریخی آن از سوی دیگر قرار داده است. مفهوم مردم سالاری دینی، مفهومی کلیدی و کانونی برای سخنران در این متن تلقی می‌شود که توسعه همه جانبه اصلاحات در عرصه‌های مختلف با اصرار براصول اعتدال‌گرایانه روش رسیدن به آن هستند.

سید محمد خاتمی در شرایطی در دومین مراسم تحلیف خود شرکت می‌کند که برای اولین بار موفق شده است به عنوان یک رئیس جمهور در دور دوم آراء بیشتری اخذ نماید. زمینه اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حکایت از آن دارد که شعارها و دیدگاههای خاتمی حداقل در ظاهر، مورد توجه گفتمان رسمی حاکمیت قرار گرفته است.

از سوی دیگر مقاومتهای پنهان و آشکاری در راستای ممانعت از محقق شدن برنامه‌ها ودیدگاههای سید محمد خاتمی وجود داشته است. همچنین نه به عنوان یک فضای غالب بلکه به عنوان موضعی مورد توجه این‌گونه تلقی می‌شده است که خاتمی در اهتمام به معیشت مردم و توجه به مسائل اقتصادی ناتوان بوده است. در این فضا و بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است که خاتمی در این متن اولاً به تشریح مردم سالاری دینی می‌پردازد تا مانع از تحریف محتوای این مفاهیم گردد و تأکید مکرری که بر لزوم توجه حاکمیت به نقش مردم می‌کند نشان از آن دارد که خاتمی برآن است ضرورتهای نظری و عملی مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف را تبیین کند. ثانیاً اشاره‌ای که به بهبود برخی شاخصهای اقتصادی توسط خاتمی صورت می‌گیرد، متأثر از فضا و زمینه‌ای است که سعی در القای این مطلب دارد که خاتمی در مقام رئیس جمهور به این مسائل بی توجه بوده است. این گفتمان همان‌گونه که خود سخنران بیان می‌کند یک گفتمان تحولگرا در قالب جمهوری اسلامی است. وجه غالب این گفتمان، تکیه بر جامعه مدنی و مردم سالاری است این گفتمان در تلاش است در سطوح نهادی قدرت از حیث ایدئولوژیک دارای وجه تعیین

کنندگی باشد. در عین حال در تلاش است تا مبانی فکری و تاریخی گفتمان را در چارچوب نظام ومبارزات تاریخی مردم بیان کند. این گفتمان بر روابط و سطوح قدرت از متن فرآیندهای اجتماعی تأثیر گذار بوده است.

تفسیر متون بررسی شده برمبنای گفتار زمینه و با تأکید بر مؤلفه‌های رفاهی

بر متون این دوره نوعی التزام به توسعهٔ همه جانبه و متوازن حاکم است. از منظر رفاه اجتماعی و مؤلفه‌های رفاهی روح حاکم بر گفتمان، متون دورهٔ اصلاحات حاوی ویژگی‌های ذیل است:

۱. **عدالت:** محور عمده‌ای که متون دورهٔ اصلاحات بر آن تأکید دارند، مقولهٔ عدالت است. بررسی این متون نشان می‌دهد گفتمان اصلاحات در این دوره نسبت به عدالت که یک واژه کلیدی در حوزهٔ رفاه اجتماعی تلقی می‌شود، با مرزبندی با سایر نظریه‌های عدالت رایج در دنیا نظیر عدالت باز توزیعی جان راولز که یکی از مبانی نظری گفتمان (فرد سالاریِ جامعه‌گرا) است، همچنین مرزبندی با نظریهٔ عدالت استحقاقی نازیک که مبنای گفتمانِ نئولیبرال و راست نو می‌باشد، تفسیری از عدالت ارائه می‌دهد که به معنای ایجاد فرصتهای مساوی، تضمین دسترسی برابر به امکانها و امتیازها و برخورداری همهٔ ملت از موهبتهای جامعه است. گفتمان دورهٔ اصلاحات برای تأمین عدالت که از نظر این گفتمان یکی از ضرورتهای نظام اسلامی است بر بهره‌مندی درست از تحقیقات و کارشناسی‌ها و رشد نیروهای اندیشمند و عرصهٔ آزادانهٔ نظرها تأکید دارد؛ عدالت بدون آزادی شکست خورده است و عدالت بدون توسعه به توسعه فقر می‌انجامد. این رویکرد به عدالت که عدالت را در همبستگی و درهم آمیختگی با توسعهٔ همه جانبه و آزادی می‌بیند بیشترین نزدیکی را در بین گفتمانهای رایج دنیا، با گفتمان «توسعه به مثابه آزادی» آمارتیاسن دارد.

۲. **آزادی:** متون دورهٔ اصلاحات، همچنین تأکید ویژه‌ای بر مقولهٔ آزادی دارند که از دیگر واژگان کلیدی رفاه محسوب می‌شود. گفتمان این دوره، نهادینه کردن آزادی را در چارچوب مبانی اسلامی و حقوق عمومی یکی از دستاوردهای دورهٔ اصلاحات بیان

می‌کند. جهت‌گیری این گفتمان در خصوص مقولاتی نظیر دین، توسعه و عدالت این است که اگر این مؤلفه‌ها در تقابل با آزادی قرار گیرند، محکوم به شکست هستند. مفهوم آزادی مورد تأکید در دورهٔ دوم، ضمن اینکه متکی بر مبانی اسلامی است، دارای پشتوانهٔ قانون اساسی نیز معرفی می‌گردند. آزادی سیاسی، آزادی اندیشه و آزادی مخالف، محورهای مورد تأکید گفتمان دورهٔ دوم می‌باشند. تلقی گفتمان اصلاحی از مفهوم آزادی، دین و آزادی را دارای تأثیر متقابل عظیم با یکدیگر تحلیل می‌کند و همچنین برای آزادی دو حد اسلامی و حقوق عمومی قائل است. این رویکرد به آزادی با رویکرد گفتمان‌های نئولیبرال و راست نو به آزادی که معتقدند همهٔ مقولات و مفاهیم دیگر باید در خدمت آزادی باشند و هیچ مرز و چارچوبی به ویژه در حوزهٔ نظری برای آزادی قائل نیستند و اصولاً اندیشه آزادی نامحدود به ویژه در عرصهٔ اقتصادی در زمره مباحث اصلی این گفتمان‌هاست، مرزبندی جدی دارند. آزادی مورد توجه در گفتمان مردم سالاریِ جامعه‌گرا (سوسیال دمکراسی) نیز با اینکه با تأکید نامحدود گفتمان‌های نئولیبرال و راست نو به آزادی شباهت ندارد، اما در این گفتمان نیز که از مبانی لیبرالیسم پیروی می‌کند، همان منطق درونی لیبرالیسم یعنی اقتصاد آزاد و آزادی نامحدود وجود دارد، با این تفاوت که در این گفتمان به ویژه در پاسخ به جنبشهای پدید آمده در دوران لیبرالیسم کلاسیک، اندیشهٔ برابری نیز در کنار اندیشهٔ آزادی وارد شده است، تا تلاشی برای جبران ضایعات و ناروابیهای ناشی از نظام بازار آزاد باشد. تصویری که متون دورهٔ اصلاحات از آزادی ارائه می‌دهند از یکسو آزادی را مبنای نظام اسلامی بیان می‌کنند که این تصویر متفاوت از آن است که پرداختن به مقولهٔ آزادی، به عنوان پاسخی به جنبشهای اعتراضی باشد. از سوی دیگر رویکرد متون دورهٔ اصلاحات به آزادی، آزادی بی حد و مرز نیست که همهٔ مفاهیم دیگر باید در خدمت آن باشند. با این توصیف می‌توان گفت تصویر متون دورهٔ دوم از آزادی بیشترین نزدیکی را با مفهوم آزادی ارائه شده در گفتمان «توسعه یعنی آزادی» دارد.

۳. **توسعهٔ همه جانبه:** تکیه بر مفهوم توسعهٔ همه جانبه و پایدار یکی دیگر از ویژگی‌های متون دورهٔ اصلاحات است. متون این دوره به مفهوم توسعه به معنای به حداکثر رساندن ظرفیتهای اقتصادی نمی‌نگرند بلکه با ردّ راهبردهای محدودنگرانه به توسعه، ضمن تأکید بر ارتقای معنویت و اخلاق در جامعه به حفظ حرمت انسان، توجه به حقوق مردم، تأکید بر آزادی‌های قانونی و امنیّت اجتماعی، گسترش مشارکت مردم درکنار توجه به توسعهٔ اقتصادی توجه دارد. تأکید همزمان بر توسعهٔ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و علمی و خودداری از نگرش تقلیل گرایانه به توسعه از ویژگی‌های بارز گفتمان دورهٔ اصلاحات است. این رویکرد به توسعه شبیه نگرش آمارتیاسن، دیدگاهی را که معتقد است که توسعه با مفاهیم و معیارهایی نظیر رشد و تولید ملی، افزایش درآمد، صنعتی شدن و... بیان می‌شود، رد می‌کند و بر آن نیست که از فرآیند توسعه به دنبال کسب درآمد باشد. در گفتمان «توسعه یعنی آزادی» به توسعه به عنوان کسب دستاورد نگریسته می‌شود و بر مقولاتی نظیر آزادی سیاسی، حقوق مدنی و آزادی مشارکت تکیه دارد. این مفهوم از توسعه، بیشترین شمول معنایی را با توسعهٔ تعریف شده در متون دورهٔ اصلاحات داراست. توجه به مقولهٔ توسعهٔ پایدار توأم با عدالت زیست محیطی ذیل مفهوم توسعهٔ همه جانبه در متون دورهٔ اصلاحات بیانگر این است که این گفتمان رویکردی مدرن به مقولهٔ رفاه اجتماعی دارد.

٤. **مشارکت:** یکی از ابعاد رفاه اجتماعی بعد سیاسی رفاه است که بر مقولاتی نظیر مشارکت، فعالیت احزاب و گروه‌ها و امنیت سیاسی تکیه دارد. این بُعد رفاه در متون دورهٔ اصلاحات حضوری پررنگ دارد. گفتمان این دوره بر مشارکت عمومی شهروندان در سیاستهای کلان کشور و لزوم تسهیل این مشارکت و افزایش سطح مشارکت اجتماعی تأکید ویژه دارد و اصلاً شعار توسعهٔ سیاسی یکی از مهمترین شعارهای انتخاباتی سید محمد خاتمی و از مفاهیم کلیدی گفتمان وی به شمار می‌رود.

۵. **تأکید بر نظام جامع تأمین اجتماعی:** متون دورهٔ اصلاحات نسبت به نظام تأمین اجتماعی که یکی از ارکان اساسی حوزهٔ رفاه اجتماعی محسوب می‌شود، این رویکرد را اتخاذ

می‌کند که یک نظام تأمین اجتماعی از هم‌گسسته نه می‌تواند عدالت را تأمین کند نه امنیت را. توجه به این نکته که نبود یک نظام جامع تأمین اجتماعی از کاستیهای مهم کشور است از نکات مورد توجه در گفتمان دورهٔ اصلاحات است. گفتمان این دوره بر این نکته تأکید دارد که عدالت بدون داشتن یک نظام جامع تأمین اجتماعی خواب و خیالی بیش نیست و از سوی دیگر، تأمین عدالت در همهٔ عرصه‌ها را وظیفهٔ اصلی نظام اسلامی و علی‌القاعده اهتمام اصلی خود بیان می‌کند.

٦. امنیت: گفتمان دورهٔ اصلاحات امنیت را پایهٔ یک جامعهٔ پیشرو و پایهٔ امنیت را قانونمنداری جامعه می‌داند و بر این باور است که برای امنیت پایدار باید قانون در جامعه پایدار شود. جامعهٔ امن از منظر این گفتمان، جامعه‌ای مبتنی بر رفتارها و روابط قانونی است و در این چارچوب نظری است که قانون و قانونمنداری به کلیدی‌ترین مفهوم گفتمان دورهٔ اصلاحات بدل می‌شود و آقای خاتمی خود بیان می‌کند که سخن دیروز، امروز و فردای من، ضرورت تمکین به قانون می‌باشد و این تمکین به قانون را نه فقط مختص مردم بلکه متوجه ساختارها و ارکان حکومتی نیز می‌داند. تصویری از امنیّت که در این گفتمان ارائه می‌شود حاوی مولفه‌هایی نظیر مصونیت، آزادی و کثرت است.

خاتمی از منظری همه‌سونگر، امنیّت را نگاهبانی از جامعه در برابر آفتها و آسیبها و جلوگیری از تبدیل این آفتها و آسیبها به تهدید تعریف می‌کند. جامعهٔ امن در گفتمان خاتمی با آزادی، تنوع اندیشه، مشارکت، جامعهٔ مدنی، نقدپذیری، دوری از خشونت و جامعهٔ چندصدایی ملازمت دارد.

از این روست که خاتمی که دوران خود را دوران تثبیت نظام عنوان می‌کند و معتقد است در این دوران، پایه‌های سیاسی نظام، دوران نهادینه شدن خود را سپری می‌کنند و قانون را در صدر کانون گفتمانی خود می‌نشاند.

گفتمان رفاهی دورهٔ اصلاحات در قالب هیچ کدام از گفتمان‌های رایج رفاهی دنیا نظیر لیبرال دمکراسی، سوسیال دمکراسی، نئولیبرال راست نو و محافظه‌کاری نمی‌گنجد و با توجه به اینکه دارای مبنای دینی ـ اسلامی است یک مرزبندی جدی با گفتمانهای فوق

دارد و رویکردی که نسبت به مؤلفه‌های اساسی رفاه نظیر عدالت و آزادی، اتخاذ می‌کند تفاوت اساسی با رویکرد اتخاذ شده در گفتمانهای فوق نسبت به این مقولات دارد.

نتیجه‌گیری

براساس گفتمان اصلاحی مدل رفاه اجتماعی در دوران اصلاحات، مدل مدرن رفاه بوده است و مبتنی بر توسعهٔ انسانی است و منبع اصلی قدرت و ثروت جامعه را نیروی انسانی می‌شناسند.

عناصر اصلی ساخت گفتمان رفاهی در دورهٔ اصلاحات متکی بر مؤلفه‌هایی چون عدالت ملازم با دین و آزادی، توسعهٔ همه جانبه و موزون، توسعهٔ پایدار متکی بر عدالت زیست‌محیطی، آزادی در چارچوب مبانی اسلامی و حقوق عمومی، نظام جامع تأمین اجتماعی به عنوان مبنای محقق ساختن عدالت، مشارکت شهروندان ومردم سالاری و امنیت همه جانبهٔ نگر بوده است. گفتمان رفاهی دورهٔ اصلاحات نزدیکی و همگرایی با گفتمان توسعه به مثابه آزادی دارد. از گفتمان رفاهی دوران اصلاحات، نگرش نوین به رفاه که رویکردی انسان مدارانه و متکی بر کیفیت زندگی است، استنباط می‌شود.

در ارزیابی انتقادی گفتمان دوران اصلاحات باید عنوان کرد که گفتمان این دوره با اینکه از لحاظ چارچوب نظری و مؤلفه‌های اساسی آن، گفتمانی در چارچوب تحقق نیازهای روز کشور و دوران جدید نظام تلقی می‌شد نتوانست آن‌گونه که در میان نخبگان محافل دانشگاهی و مورد توجه و بحث قرار گرفت، در بین طبقات محروم جامعه به ویژه قشر حاشیه، نهادینه گردد. نکتهٔ دیگر این است که این گفتمان با توجه به اینکه نسبت به گفتمان رسمیِ، حاکمیت، خود را غریب ارزیابی می‌کرد، اهتمام ویژه‌ای برای تعامل با حاکمیت و گروه‌های منتقد رسمی و غیر رسمی از خود نشان می‌داد. به نظر می‌رسد در برخی موارد رویکرد اساسی این گفتمان رفع دغدغه‌ها و نگرانی‌های منتقدین رسمی و غیر رسمی و حاضر در حاکمیت بوده است. با این توصیف می‌توان عنوان کرد گفتمان اصلاحی با اینکه بارها بر وفاداری به عهد با مردم تکیه می‌کند، اما جهت‌گیری اساسی نیز به سوی تحقق دیدگاه‌ها و رفع دغدغه‌های منتقدین خود دارا می‌باشد.

چشم انداز آینده

رفـاه اجتمـاعی در دورهٔ اصـلاحات دارای جایگـاه و منزلتـی مناسـبت بـوده اسـت و رویکردی چند جانبه‌نگر، مدرن و انسان‌مدارانه داشته است. لذا به عنوان یک نقطهٔ عزیمت، باید از نزول آن جلوگیری کرد. به بیان دیگر شاخـصها و مؤلفـه‌هـای رفـاه اجتمـاعی کـه حاصل گفتمان رفاهی اصلاحات بوده است باید تثبیت، تعمیق و نهادینه شود. در کنار ایـن موضوع باید با ارادهٔ جدی، برنامه‌ریزی و هماهنگی در لایه‌های مختلـف نظـام از یکـسو و شهروندان از سوی دیگر شرایط ارتقاء نظری مفهوم رفاه اجتماعی متناسب بـا شـرایط روز جامعه و فضای بین‌المللی از یکسو و محقق شدن عملی ابعاد رفاهی در کشور فراهم شود. می‌توان عنوان کرد وضعیت مطلوب و قابل قبول رفاه اجتماعی در ایران که می‌توانـد یـک مبنا برای دسترسی تلقی شود، محقق شدن ابعاد چندگانهٔ رفاه توأم با یکدیگر اسـت. یعنـی در عین حالی که دسترسی به بعد زیستی رفاه، پیگیری می‌شود، ابعاد حقوقی رفاه، سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی رفاه نیز در چارچوب یک نظام جامع رفاهی و یک توسعهٔ همه جانبه و موزون پیگیری گردد.

یک ضرورت مهم در مسیر محقق شدن رفاه اجتماعی ایـن اسـت کـه امکـان دخالـت سلیقه‌های اجرایی، تصمیم‌گیری‌های آنی و لحظه‌ای، و نگرش تک بعدی و تقلیل گرایانه به مسائل از بین برود. تحقق رفاه اجتماعی، در کشور بدون یک نگرش جـامع، برنامـه‌ریـزی شده، متکی بر دیـدگاه‌هـای کارشناسـی و علمـی و همخـوان بـا قـوانین و کنوانـسیونهای بین‌المللی یک خواب بدون تعبیر است.

منابع References

ـ آقا گـل زاده، فـردوس. (۱۳۸۵)، **تحلیـل گفتمـان انتقـادی**، تهـران، انتـشارات علمـی و فرهنگی.

ـ بـاری، نـورمن. (۱۳۸۰)، **رفـاه اجتمـاعی** (ترجمـه سـیداکبر میرحـسینی و سیدمرتـضی نوربخش)، تهران، انتشارات سمت.

ـ بشیریه، حسین.(۱۳۷۸)، **تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم**، تهران، نشرنی.

ـ بشیریه، حسین.(۱۳۷۹)، **درآمدی بر جامعه‌شناسی تجدد**، تهـران: دفتـر تبلیغـات اسـلامی حوزه علمیه قم.

ـ بشیریه، حسین.(۱۳۸۰)، **موانع توسعه سیاسی در ایران**، تهران، انتشارات گام نو.

ـ بشیریه، حسین. (۱۳۸۱)، **دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی در ایـران**، تهـران، نـشر نگـاه معاصر.

ـ بدیعی، نعیم. (۱۳۷۸)، تحلیل گفتمان سخنان رییس جمهـور در سـال ۱۳۷٦، **اطلاعـات سیاسی ـ اقتصادی**، سال۱٤، شماره۵.

ـ پیران، پرویز. (۱۳۷۵)، نگاهی به تحولات قرن بیستم، **اطلاعات سیاسی ـ اقتصادی**، سـال دهم، شماره ۱۰۵).

ـ تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۹)، **جامعه امن در گفتمان خاتمی، تهران**، نشر نی.

ـ تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۸)، **فرامدرنیسم و تحلیل گفتمان**، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ـ تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۸)، **گفتمـان و تحلیـل گفتمـانی** (مجموعـه مقـالات)، تهـران، انتشارات فرهنگ گفتمان.

ـ تاجیک، محمد رضا. (۱۳۷۷)، متن، وانمود و تحلیل گفتمان، **فصلنامه گفتمان**، شماره ۱.

ـ تاجیک، محمدرضا. (۱۳۸۲)، پسامارکسیسم به روایـت لاکلاوومـوفـه، **فـصلنامه گفتمـان**، شماره۹.

ـ ربیعی، علی. (۱۳۸۰)، جامعه‌شناسی **تحولات ارزشی**، تهران، نشر فرهنگ و اندیشه .

ـ سن، امارتیا.(۱۳۸۱)، **توسعه به مثابه ازادی** (ترجمه سعید نایینی)، تهران، نشرنی.

ـ شورای برنامه‌ریزی سازمان بهزیستی کـشور. (۱۳۷۹)، **به سوی نظام جامع رفاه اجتمـاعی**، تهران، سازمان بهزیستی.

ـ عضدانلو، حمید. (۱۳۷۵)، درآمدی بر گفتمان یـا گفتمـانی دربـاره گفتمـان، **اطلاعـات سیاسی ـ اقتصادی**، سال دهم، شماره ۱۰٤.

ـ فیتزپاتریک، تونی. (۱۳۸۱)، **نظریه رفاه** (ترجمه هرمز همایون فر)، تهران، موسـسه عـالی پژوهش تامین اجتماعی.

منابع

References

ـ فرکلاف، نورمن. (۱۳۷۹)، **تحلیل انتقادی گفتمان** (گروه مترجمان، تهران)، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

ـ فرقانی، مهدی. (۱۳۸۰)، **تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران**، پایان نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.

ـ مک دانل، دایان. (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان** (ترجمه حسینعلی نوذری)، تهران، انتشارات فرهنگ گفتمان.

ـ ماکارو، دیوید. (۱۳۷۸)، **رفاه اجتماعی، ساختار و عملکرد** (ترجمه محمد تقی جغتایی)، تهران، نشر دانشگاه علوم بهزیستی.

ـ میجلی، جیمز. (۱۳۷۸)، **رفاه اجتماعی در جهان** (ترجمه محمد تقی جغتایی)، تهران، نشر دانشگاه علوم بهزیستی.

ـ نجف زاده، مهدی. (۱۳۸۲)، گفتمان: ازصورت‌بندی دانایی تا امر سیاسی، **فصلنامه گفتمان**، شماره ۷.

ـ نوریس، کریستوفر. (۱۳۷۷)، گفتمان (ترجمه حسینعلی نوذری)، **فصلنامه گفتمان**، شماره صفر.

– نشریه **عصر ما**، ۱۳۷٦/۳/۱۷.

ـ هوارت، دیوید. (۱۳۷۹)، **نظریه گفتمان (ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی)**، مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران، فرهنگ گفتمان.

ـ یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۸۳)، **گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی**، تهران، هرمس.

-Fairclough. N.(1991), **Language and Power**, Longman.

-Fairclough, N.(1992), **Critical Language Awareness**, Longman.

-VanDijk, A. (1995), **Discourse Analysis as Ideology Analysis**, Dartmouth.

-VanDijk, A.(1996), **Discourse, Power and Acces, London**.